

فرصت



مریم کریمی

خبرنگار

سالی که گذشت پر از روزهای تلخ و شیرین بود که به خاطره‌ها پیوست؛ خاطراتی خوب و بد که شاید هیچ‌گاه فراموش نشوند اما در میان شمیم سال نو که این روزها به مشمام می‌رسد، احتمالا کمرنگ خواهند شد. به‌ویژه که امسال تلاقی دو بهار را داریم؛ بهار قرآن و طبیعت. در آستانه سال جدید، برای مرور دیروز و گفتن از افق آینده، پای صحبت سه تن از مجریان و بازیگران رسانه ملی نشستیم. هنرمندانی پیشکسوت که شاید با خواندن تجاربشان ره‌توشه‌ای برای ایام پیش رو برداریم.

گپ و گفت بهارانه با مجریان و بازیگران رسانه ملی در آستانه سال نو

بودم. حتی گاهی به جایی می‌رسد که در متن اصلاحاتی انجام می‌دادم مثلاً عمو نوروز هیچ وقت دست دراز نمی‌کند، بلکه اینها خورجینی همراه‌شان است و مردم خودشان با عشق هدایا را در خورجین می‌اندازند؛ این‌گونه اصطلاحات را هم انجام می‌دادیم. تمام کسانی که با عشق و پژوهش کار می‌کنند، به نظم ماندگار می‌شوند.

بازیگر طنز رادیو و تئاتر درباره اجراهایش و ویژگی‌های آنها صحبت می‌کند و می‌افزاید: ما چون نمایش شادی‌آور و سیاه‌بازی کار می‌کنیم، بیشتر جنبه مفرح بودن را برای مخاطبان در نظر می‌گیریم که روحیه آنها شاد شود و لذت ببرند. جدای از آن، معضلات و مشکلات روزمره مردم را هم سعی می‌کنیم در این کارها داشته باشیم.

خوشبختانه نوع نمایش سیاه‌بازی به‌گونه‌ای است که می‌توانیم زمان و مکان را بشکنیم؛ مثلاً در دوران شاه عباسی بازی می‌کنیم، اما یک‌دفعه مسأله‌کوپن را مطرح می‌کنیم. حسن سیاه‌بازی در شکستن

صبح جمعه، جمعه ایرانی یا صبح جمعه با شما و اسم‌های مختلفی که داشت، یکی از آن برنامه‌هایی است که معضلات مردم را مطرح می‌کند. جدا از آن، فضای شادش بسیار زیاد است. برنامه‌ای که شادی آور باشد، برای شنونده خیلی مهم است. این برنامه به دلیل این‌که دستش مقداری در فضای انتقادی باز بوده، همیشه موفق بوده است. به‌شخصه معتقدم هر چه محدودیت‌ها بیشتر شود، مخاطب هم کمتر جذب می‌شود.

افراد ماندگار با عشق و پژوهش کار می‌کنند

انصافی در ادامه به افراد موفق که در این حرفه‌ها ماندگار شده‌اند، اشاره می‌کند: به نظرم این افراد در درجه اول با عشق کار کردند. زمانی که نقشی به آنها داده می‌شود؛ اولاً با عشق کار می‌کنند و دوم با تمام وجود تلاش دارند تا نقش را به بهترین شکل ممکن اجرا و حفظ کنند.

این افراد با آن نقش زندگی می‌کنند، حتی کار پژوهشی انجام می‌دهند. تا حدودی درباره آن شخصیت اطلاعات به‌دست می‌آورند و آن شخصیت را تکمیل می‌کنند. بارها دیده‌ایم یک شخصیت به مرور کامل‌تر شده است. مثلاً در ظرف سه هفته چقدر ریزه کاری‌هایش نمایان شده، چرا که آن شخص رفته و درباره آن نقش پژوهش کرده است. خودم به دلیل این‌که کار پژوهشی انجام می‌دهم درخصوص نقش‌هایم هم سعی می‌کنم همان‌گونه باشم.

خاطره شیرین ماه‌های پایانی سال شد. روزهای تلخ هم در رادیو داشتیم؛ در شهادت رئیس‌جمهورمان مثل یک خانواده کنار هم بودیم. به هر حال تلخ و شیرین گذشت و ان شاء الله سال ۱۴۰۴ پر از اتفاقات خوب باشد و آن را به دور از بلا سپری کنیم.

برای مخاطب امروز برنامه بسازیم

آل عباس با پیشنهادی برای بهتر شدن برنامه‌های رادیو در سال آینده صحبت‌هایش را این‌طور ادامه می‌دهد: در برنامه‌ها مخاطب را اول ببینیم. اگر نتوانیم شنونده را درگیر کنیم و پای موج رادیو نگه‌داریم، مثل این می‌ماند که برای خودمان حرف می‌زنیم و انگار در یک فضای خالی بدون مخاطب صحبت ما هدر می‌رود. پس اولین نکته مهم این است که برای مخاطب امروز برنامه بسازیم و با توجه به توانایی‌ها و شناخت از مخاطب برنامه‌سازی کنیم.

مجری برنامه خانه و خانواده رادیو ایران هم‌زمانی تحویل سال و شب‌های قدر را به فال نیک می‌گیرد و عنوان می‌کند: من این را به فال نیک می‌گیرم؛ چرا که به نظرم شب‌های قدر برای همه آدم‌ها یک سرآغاز است. مثل بهار که سرآغاز سال جدید است و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنیم. شب‌های قدر، شب‌های رقم خوردن تقدیر ماست و شاید همان حول حالنا الی احسن الحال است که باید اتفاق بیفتد.

خاطرات خوب در صبح جمعه

جواد انصافی، از بازیگران و کارگردانان نمایش‌های طنز کشورمان که مخاطبان او را بیشتر با نام عبدلی می‌شناسند، شناخت ویژه‌ای از نوروز دارد. انصافی، هنرمند دیگری است که با او گپ می‌زنیم. وی در پاسخ به این‌که بهترین دوران کاری شما چه زمانی بوده، می‌گوید: خاطرات خوبی در صبح جمعه داشتیم.

در آن مقطع ما دو گروه بودیم؛ یک گروه مرحوم منوچهر نوذری و گروه دیگر مابه‌تهیه‌کنندگی محمد اوزی و صادق عبداللهی نویسنده که علاوه بر عبدلی و اوستا، تیپ‌های دیگر را هم بازی می‌کردیم. آن سال‌ها، سال‌های بسیار جذابی برای ما بود، به دلیل این‌که رقابت تنگاتنگی میان‌مان وجود داشت. گروه رقیب وزنه‌ای مثل مرحوم نوذری را داشت و ما هم تلاش می‌کردیم که این خلأ را جبران کنیم.

بازیگر رادیو و تلویزیون درخصوص دلیل ماندگاری برخی برنامه‌ها توضیح می‌دهد: اولین مولفه، گروهی است که تهیه برنامه را بر عهده دارد؛ یعنی نویسندگان خوبی دارند، دیدگاه‌های مردمی‌شان روشن است، مشکلات مردم را می‌شناسند، معضلات مردم را در قالب طنز، شعر، بحر طویل یا شوخی‌های مختلفی در برنامه می‌گنجانند و... این‌گونه است که برنامه‌ای دلچسب مردم و پر مخاطب می‌شود. مثلاً برنامه

فاطمه آل عباس، مجری رادیو از افرادی است که پیش از سال جدید سراغش می‌رویم. او که حدود ۳۱ سال است با رادیو همکاری دارد، ابتدا با اشاره به سابقه‌اش، درباره برنامه‌هایی که اجرای آن را بر عهده داشته، توضیح می‌دهد: از اسفند سال ۱۳۷۲ همکاری‌ام را با رادیو شروع کردم. به نظرم امسال عالی بود، همین که یک سال دیگر فرصت زندگی و کسب تجربه داشتیم، خدا را شکر. همه دوستان مرا با برنامه «خانه و خانواده» رادیو ایران می‌شناسند، از سال ۱۳۸۴ با این برنامه همکاری می‌کنم، امسال هم مثل همیشه در این برنامه در خدمت عزیزان بودم. همچنین به‌عنوان داور ثابت مسابقه استعدادیابی «یک، دو، صدا» حضور داشتم. اتفاق قشنگی که افتاد این بود که مسابقه را در شهرهای دیگر برگزار کردیم. از سال ۱۳۷۸ در رادیو پیام فعال هستم، همچنان هم این خدمتگزاری ادامه دارد.

تعصب زیادی به رادیو دارم

مجری رادیو در آستانه سال جدید از خاطرات تلخ و شیرینی سالی که گذشت، چنین می‌گوید: امسال با خاطرات خوب و شیرینش گذشت، البته یک وقت‌هایی هم خاطرات شیرینی نداشتیم اما به‌رحال در خانواده رادیویی‌مان یک سال دیگر را دیدیم. در رادیو مجری مراسم و برنامه‌ای بودم که برای استعدادهای جدید رادیو برگزار شده بود، عزیزانی که رادیو را دوست دارند و همراه آن هستند؛ نسل تازه‌ای که قرار است در رادیو بدرخشند. وقتی برق شادی را در چشم‌هایشان می‌دیدم، احساس می‌کردم رادیو خیلی پرتعداد است و کسانی را دارد که عاشقانه دوستش دارند و برایش کار می‌کنند. این اتفاق خاطره خوبی برای من رادیویی بود. به‌خصوص برای من که تعصب زیادی به این رسانه دارم. یکی دیگر از خاطراتی که در روزهای پایانی سال رقم خورد؛ سفری جذاب به بندرعباس بود که از طرف روابط عمومی سازمان، همراه اهالی رسانه مهمان کشتی‌سازی آنجا بودیم که



سال پژوهش درباره

نوروز

بازیگر نمایش‌های طنز که سال‌ها درباره نوروز و آداب رسوم آن پژوهش کرده در این باره می‌گوید: زمانی که با عموپورنگ «عمو نوروز» را کار می‌کردم، درباره نوروز پنج سال پژوهش کرده بودم. در این زمینه حتی کتاب نوشتم. ریزترین کارها را درخصوص عمو نوروز می‌شناختم و بلد

